



تاریخ جلسه: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰  
شماره جلسه: ۱۸۴

عنوان اصلی: فقه روابط اجتماعی  
عنوان فرعی: ظلم

استاد اعزازی  
استاد اعزازی  
استاد اعزازی



### فهرست

- ۲..... بحث ظلم و عدل
- ۲..... نکته اول
- ۲..... ظلم و عدل در فلسفه
- ۲..... ظلم و عدل در کلام
- ۳..... ظلم و عدل در اخلاق
- ۴..... ظلم و عدل در فقه
- ۵..... ظلم و عدل در تفسیر
- ۵..... ظلم و عدل در اصول



بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: فقه روابط اجتماعی / ظلم

### بحث ظلم و عدل

بحث قبلی را مثل موارد دیگری که عرض کردیم و خسته شدیم و طول کشید رها می‌کنیم و وارد بحث ششم از فقه روابط اجتماعی که عبارت است از بحث ظلم و عدل و ابتدا هم به مباحث ظلم می‌پردازیم که شاید از لحاظ فقهی احکام الزامی واضح‌تری داشته باشد. واضح است که بحث ظلم بحث ظلم و عدل اهمیت بالایی دارد و شاید اقتضای طبع بحث در فقه روابط اجتماعی این بود که جلوتر مطرح شود و به‌رحال یکی از دوگانه‌های مهم اجتماعی و روابط بین انسان‌ها ظلم و عدل است.

در ابتدا به مقدماتی اشاره می‌کنیم و به‌تدریج آماده می‌شود بحث برای ورود به آن و مباحث فقهی مرتبط با موضوع. نکاتی را در مقدمه اشاره بکنیم.

### نکته اول

### ظلم و عدل در فلسفه

مبحث ظلم و عدل به دلیل این‌که ابعاد و جهات مختلف دارد در علوم و دانش‌های مختلف محل بحث و توجه است و در علوم گوناگون تجربی و قراردادی و اعتباری مقوله ظلم و عدل با عنایت و توجه مورد بحث قرار گرفته است و از باب مثال نمونه‌هایی را عرض می‌کنیم در فلسفه که بحث ظلم و عدل مورد توجه قرار می‌گیرد از جمله در الهیات به معنای خاص و در امور مربوط به خداوند متعال است که خداوند عادل است و ظلم نمی‌کند و عدل و ظلم او به چه معنا است و یک دایره وسیع از مباحث وجود دارد و حتی در الهیات به معنی الاعم هم شاهدیم و حتی به صفات خداوند به‌صورت ایجابی و سلبی و هم در مورد نظام عالم عادلانه است یا ظالمانه است مطرح می‌شود و به شکلی هم مباحث ظلم و عدل با خیر و شر ارتباط برقرار می‌کند. و همین‌طور با مباحث حق و امثال این‌ها. پس در مباحث فلسفی شاهدیم که بحث ظلم و عدل به‌صورت مستقیم و صریح و گاهی هم با وسائط و مقدماتی مرتبط است و محل توجه است.

### ظلم و عدل در کلام

به‌تبع مباحث فلسفی و متناظر با آن در کلام هم بحث ظلم و عدل را شاهدیم و البته وسیع‌تر چون وقتی در کلام وارد می‌شویم و از خدا و اوصاف او صحبت می‌شود مقوله خیلی دامنه پیدا می‌کند و عدل و ظلم خدا به‌عنوان صفت ایجابی و سلبی به شکل گسترده‌تری مورد بحث قرار می‌گیرد به‌خصوص که در کلام عدل خدا به‌عنوان اصل از اصول دین در بعضی از مذاهب به شمار آمده است و از این جهت اهتمام بیشتری به آن ورزیده شده است گرچه اصل این‌که خدا عادل است بین مذاهب اختلافی ندارد آن اختلافی که وجود دارد این است که عدل خدا از اوصاف خداست و حسن و قبح واقعی دارد و فعل خدا برمدار آن می‌چرخد یا این‌که برعکس عدل و ظلم برمدار تشریع و اراده و خواست خدا می‌چرخد و این اختلاف چون اهمیت بالایی دارد طبعاً



انعکاس بالایی در مباحث کلامی پیدا کرده است و کسانی که قائل به این هستند که عدل از واقعیتی برخوردار است و طبعاً برای عدل استقلال و هویتی بالا قائل اند تا جایی که گاهی به عنوان اصلی از اصول دین به شمار می آید البته این که اصلی از اصول دین هست محل بحث می تواند باشد چون پنج اصل به عنوان اصول دین خیلی به شکل جامع و مانع در آیات و روایات نداریم به خصوص بحث عدل. ممکن است کسی بگوید به استناد آیات قرآن و روایات چیزهای دیگری هم اصول به شمار آید مثل اعتقاد به ملائکه و کتب و در سوره بقره و چند جای دیگر هفت هشت مورد به عنوان اصول اصلی شمارش شده است بنابراین در این که جامع است و چیز دیگری هم تراز با این ها نیست جای کلام است. کما اینکه چیزهایی که در اینجا آمده است همه در سطح بالایی است یا در عرض هم است که این هم در کلام وجود دارد.

ولی در هر حال عدل خدا مقوله مهمی است و اصل اتصاف خدا به عدل مورد وفاق همه مذاهب است ولی در تفسیر آن اختلاف است که عدل یک امر نفس الامری است و اراده خدا مطابق آن شکل می گیرد که عقیده عدلیه است یا این که اراده خداست که عدل را شکل می دهد و عدل و ظلم مطابق با جعل خداوند است ولی در هر دو قائل به این هستند که خدا موصوف به عدل است.

بنابراین عدل و ظلم هم در فلسفه چه در الهیات به معنی خاص و احیاناً در الهیات به معنا عام و احیاناً در علم النفس جایگاه دارد و در کلام هم مفصل جایگاه دارد و تا جایی که حداقل در بعضی از مذاهب به عنوان اصول دین به شمار می آید که عدلیه گفته می شود که معتزله و امامیه هستند. این دایره گسترده بحث ظلم و عدل است.

## ظلم و عدل در اخلاق

محور سوم که شاید اوضح هم باشد جایگاه عدل و ظلم در اخلاق است و به تبع آن در فلسفه اخلاق شاهد آن هستیم که عدل و ظلم از مباحث بسیار مهم است در اخلاق این مبحث واضح تر مطرح است و سخن در اخلاق این است که العدل حسن و الظلم قبیح چه قضایایی است و مفاهیم این ها از نظر اخلاقی چیست و مفاهیم این ها از نظر محمولی که حسن و قبح است چیست و مباحثی که از قدیم در اخلاق مطرح بوده است و بعد اخلاقی هم بیشتر در کلام نقل شده است چون اخلاق در وزن کلام نبوده است بحث های دقیق تر آن در کلام آمده است ولی در اخلاق محور ظلم و عدل بسیار محور کلیدی و مهم است در حدی که بنا بر برخی از تقریرها که از فضائل و رذائل به میان می آید ظلم و عدل شکل دهنده اصلی به رذائل و فضائل است و به ترتیبی که در جامع السعادات و سایر کتب اخلاقی ملاحظه کردید. بنابراین در اخلاق این بحث خیلی گسترده است و به تبع آن در فلسفه اخلاق ما شاهد این هستیم که مقوله عدل و ظلم یکی از مقوله های بسیار مهم و محل بحث و کلام است. به خصوص در عصر معاصر چه در غرب و چه در مباحث فیلسوفان و متفکران مسلمان مباحث تحلیلی فلسفه اخلاق بخش زیادی معطوف به بحث حسن و قبح و به خصوص قبح و حسنی که مترتب بر ظلم و عدل می شود چرخیده است و دامنه گسترده ای پیدا کرده است. در این سه شاخه از علوم اصلی اسلامی بحث ظلم و عدل جایگاه خیلی برجسته ای دارد ضمن این که در فلسفه اسلامی هم همان طور که اشاره شد در مواضعی بحث ظلم و عدل اختصاص پیدا کرده است.



افزون بر فلسفه و کلام و اخلاق و بعد در فلسفه اخلاق تبعاً در فقه هم مقوله ظلم و عدل جایگاه نسبتاً مهمی دارد و در جاهای از فقه به آن پرداخته شده است و در جاهایی هم به پرداخته نشده است و جای بسط بیشتری داشته است که نیست اما علی‌الاجمال بحث ظلم و عدل در فقه هم الی ماشاءالله مورد توجه است در بعضی از مقالات و نوشته‌ها هم کتب فقهی را از اول تا آخر جستجو کردند و گفتند هرجایی از این کتاب‌های مباحث مرتبط به ظلم و عدل دارد.

سؤال: به رفتارها می‌پردازد

جواب: بله به تناسب خودش در فقه به رفتارها می‌پردازد و گاهی هم به ملکه می‌پردازد.

## ظلم و عدل در فقه

در فقه عمدتاً بحث عدالت با سه چهار تفسیری که دارد دایره وسیعی دارد هم در موارد امامت جماعت و مناصب مختلف قضاوت و جاهای مختلفی که عدالت شرط به شمار آمده است بحث عدل چه به عنوان ملکه یا به عنوان رفتار مورد بحث قرار گرفته است و در ابواب مختلف به مناسبات متعدد شاهدیم که بحث عدل را مطرح می‌کنند عمدتاً هم شرطیت عدالت است در امام جماعت و قضاوت و شهود و در مرجع و امثال این‌ها.

سؤال: با نگاه این که در مقابل عدالت ظلم هست نیست؟

جواب: شرطیت عدالت در اینجا به معنای عدالت فقهی است بحث ملکه‌ای که در شخص وجود داشته باشد یا استقامت در عمل که آقای خوبی می‌فرماید

در ظلم هم در فقه مواردی به عنوان موضوع متعلق شاهد هستیم تعاون بر اثم گاهی تعاون بر ظلم گفته شده است به عنوان اخص از آن که محل اتفاق است تعاون بر اثم حرمتش محل اختلاف است ولی اعانه بر ظلم را همه قبول دارند و در عناوینی در مثل کتاب غضب یا کتاب اضرار و امثال این‌ها هم متعدد در فقه داریم که به نحوی ذیل و ظل بحث ظلم قرار می‌گیرد و گاهی تصریح شده است و گاهی هم تصریح نشده است. به ظلم هم توجه شده است به عنوان این که از ادله‌ی آن‌ها الظلم قبیح است به عنوان ای که یکی از مصادیق ظلم است. در مکاسب محرمه در مباحثی مثل غیبت می‌بینیم وقتی می‌خواهد استدلال بر حرمت کند این است که ظلم است و ظلم قبیح است و حرام است. بنابراین آشکار و نهان مسئله عدل و ظلم با توسعه و تضییق مفهومی و با رویکردهای متناسب با فقه در دایره گسترده‌ای هم عدل و هم ظلم مطرح است در فقه یا در قاعده عدل و انصاف که در آن قاعده هم به نحوی عدل مطرح است. بنابراین نمونه‌های متعددی در تضاعیف ابواب فقه شاهدیم که مفاهیم عدل و عادل و ظلم و ظالم محل بحث قرار گرفته است مثلاً همکاری با ظالم و اعانه ظالم. در بحث‌های سیاسی فقه هم همین‌طور بحث حکومت جوائر سلطان جائر و مشروعیت حکومت ظالم، در تفاوتی که در فقه عامه و خاصه است در باب این که قیام علیه حکومت ظالم و جائر جایز هست یا نه که غالباً آن‌ها می‌گویند جایز نیست ولی ما می‌گوییم جایز هست. این هم بحث گسترده مربوط به ظلم و عدل است که در فقه وجود دارد.



البته در فقه جای این بود که قوی‌تر در مورد قاعده العدل حسن واجب و اعمالی که موصوف به عدل می‌شود واجب است یا مستحب است یا مباح است ولی این خلاء وجود دارد و از این طرف جای بحث‌های وسیع‌تری در ظلم بود برای این که جابجا در استدلال‌ات و ادله عقلی بر مباحث فقهی شاهد این هستیم که می‌گویند هذا ظلم و الظلم قبیح، ولی این که ظلم چیست و می‌توانیم بگوئیم ظلم شرعاً حرام است و اگر می‌توانیم بگوئیم این ظلم چه ظلمی است. واقعاً مباحث مهم و حساسی دارد که در فقه نمی‌بینیم و مثل این که حالت ارتکازی دارد و پشت سر قضایا قواعد عقلی و شرعی در مورد ظلم وجود دارد که بحث دقیق نشده است و از نقاط علی الحروف نشده است. ادامه مباحث ما به اینجا ارتباط دارد و به آن خواهیم پرداخت.

## ظلم و عدل در تفسیر

در علوم اسلامی غیر از علوم اصلی که گفتیم که فلسفه و کلام و اخلاق و فقه باشد علوم دیگری هم داریم که متن محور است و این علمی که گفته شده علوم مسئله محور است که اعم آن را بحث کردیم که کلامی و فقهی است. در این علمی که مسئله محور است دیدیم که ظلم و عدل در همه این‌ها جا دارد و در بعضی هم غنا دارد مثل حوزه کلامی و اخلاقی که نسبتاً خوب است گرچه در اخلاق و فلسفه اخلاق کمبودهایی هنوز هم هست گرچه بزرگانی به آن پرداخته‌اند و بحث‌های جدیدی را اضافه کرده‌اند. در فقه هم خلأهایی دیده می‌شود. نوع دوم علوم اسلامی = علوم متن محور است و عبارت است از تفسیر به عنوان رأس این علوم به خصوص تفسیر ترتیبی که ترکیبی از متن و موضوع و مسئله است. در علوم متن محور هم تبعاً می‌بینیم که بحث ظلم و عدل مفصل مطرح است به خصوص در تفسیر دلیل آن‌ها که در قرآن تعابیر عدل و ظلم و جور و واژگان مترادف و متناظر ظلم داریم و شاید دوپست یا سیصد آیه باشد و تفسیر مربوط به ظلم مطرح شده است چه ظلم اجتماعی و انسانی و چه ظلم در ابعاد دیگر در تکوین مطرح شده است. در حدیث هم درجایی که حدیث تنظیم می‌شود یا مباحث فقه الحدیث مطرح می‌شود به تناسب این همه روایات که مربوط به ظلم است این مباحث هم مطرح می‌شود. در فقه الحدیث هم یک مرز خیلی واضحی با علوم مسئله محور ندارد ولی باز هم مطرح است کسی که بحار را ببیند در آن‌ها هم مسئله ظلم و عدل مطرح شده است و در ابواب حدیثی کتاب العشرة ابواب متعددی داریم که آشکار و نهان مباحث مربوط به ظلم و عدل مطرح شده است.

## ظلم و عدل در اصول

در علوم اسلامی علمی هم داریم که وجه آن‌ها منهجی و متدولوژیک است که عمده آن همان اصول است و تبعاً در این‌ها هم مطرح است و عمده آن در علم اصول است که مفصل در مورد العدل حسن و الظلم قبیح بحث شده است در مواضع مختلف هم در ذیل این که «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» و هم در ضمن قانون ملازمه یکی از مهم‌ترین مصادیق آن العدل حسن و الظلم قبیح است البته با تأکید بر این که تمام احکام عقل عملی به حسن و قبح منحصر در ظلم و عدل نمی‌شود ما می‌توانیم چیزهایی پیدا کنیم که به ظلم و عدل مربوط نمی‌شود اما دایره شمول مفاهیم عدل و ظلم دایره وسیعی است و در قانون ملازمه بحث می‌کنند همین به عنوان مصداق مهم بحث می‌شود و در بحث تجرید مبحث ظلم و عدل مطرح می‌شود و مباحث منهجی و روش‌شناختی هم در اصول وجود دارد که به مباحث ظلم و عدل پرداخته شده است البته در اصول به مناسبتی که پیدا می‌شود



اصولین وارد مباحث فراتری از روش‌های منهجی هم می‌شود و مباحثی که در اصول است با فلسفه و کلام و اخلاق و تبعاً با فقه رابطه وثیقی دارد و مباحثی در اصول استفاده شده است که می‌شود در علوم دیگر هم از آن استفاده کرد.

سؤال: این‌ها صرفاً برای شناخت است یا تأثیر عملی دارد؟

جواب: بله برای شناخت است و شاخه‌های بحث و ارتباطات بحث را نشان می‌دهد و می‌گوید بحث ذو اضلاع و اطراف است و از منظرهای مختلف قابل بحث است وقتی در کلام بحث ظلم و عدل مطرح می‌شود در آنجا ظلم و عدل خداوند است و در فقه بحث ظلم و عدل انسانی است آنجا فعل خداست اینجا فعل بشر است و در فقه و اخلاق بیشتر رفتارهای بشری است و در کلام بیشتر رفتارهای الهی است و این نشان می‌دهد این بحث دامنه وسیعی دارد.

سؤال: استدلال بر همه این‌ها به چه معنا است؟

جواب: یعنی همه این‌ها می‌تواند در استدلال‌های ما مؤثر باشد به عبارت دیگر گاهی ما بحثی را مطرح می‌کنیم که از صدر تا ذیل فقهی است و هیچ بعدی از ابعاد کلامی و فلسفی یا حتی اخلاقی در آن نیست و گاهی هم یک مبحث این دایره وسیع را تقریباً در همه شاخه‌های اصلی علوم اسلامی دارد مثل فلسفه و کلام و فقه و اخلاق و اصول و تفسیر و حدیث و بحث ظلم و عدل در همه این‌ها شکل گرفته است و این نشان می‌دهد این بحث دارای ابعاد و گسترده است.

سؤال: در روابط عام اجتماعی که می‌خواهیم حکم دهیم دقیقاً متناسب با حکم فلسفی و کلامی حکم می‌دهیم؟

جواب: نه موضوع ما در ظلم و عدل در روابط اجتماعی است ولی وقتی این موضوع را تعیین تکلیف کنیم احتمالاً مباحثی که در فلسفه اخلاق و کلامی و فلسفی در این مؤثر باشد و چون با آن‌ها ارتباط دارد می‌گوییم توجه داشته باشید که این بحث خیلی گسترده است.

سؤال: مبحث کلام به افعال الهی ظلم نسبت بدهیم وقتی این را در بعد انسانی و اعمال فردی ببریم کلام ناقص نمی‌شود؟

جواب: آن‌هم دایره موضوع خودش بحث کرده است که در نظام تکوین مباحث است و اخلاق و فقه در مباحث اختیاری است که احکام خودش را دارد و خروج از بحث خیلی ندارد، بحث دایره گسترده‌ای دارد که ظرفیتی دارد که همه در علوم اسلامی بحث قابل پیگیری است البته در تفسیر و حدیث مباحثی که می‌آید نهایتاً باید در موضوع مسئله بیاید دیدگاه اسلام را از لحاظ توصیفی یا تجویزی تعیین کند و علوم مسئله محور با علوم نص محور مقابل هم نیستند و بر هم همپوشانی دارند و مسائلی در اینجا وجود دارد شکل‌گیری دو نوع علم در اسلام که عبارت است علم نص محور مثل حدیث و تفسیر یا علم مسئله محور که طبیعی است این‌ها وجود دارد و این‌ها قسیم هم نیستند و علاوه بر این‌ها در علوم منهجی غیر از اصول مثل رجال و دایره بحث ظلم و عدل و توثیق وجود دارد که مقداری با هم همپوشانی ایجاد می‌کنند در مدح و ذم و احوال عارض بر راویان این مقوله تا حدی مطرح است.

سؤال: در مثل فلسفه چیزی به نام بحث عدل نداریم



جواب: در الهیات به معنی الاخص وجود دارد وقتی بحث از خدا و اوصاف و افعال او به میان می‌آید بلافاصله بحث ظلم و عدل می‌آید.

سؤال: ...

جواب: عرض کردم عمدتاً در الهیات به معنی الاخص است ولی ممکن است در الهیات به معنی الاعم هم به دلایلی این بحث وجود داشته باشد در مواردی با خیر و شر ارتباط دارد یا وقتی مقولات عشر را می‌شمارند در کیفیات نفسانی می‌شود شمرده شود و شاید در بحث نظام احسن الهی ولی غالباً در الهیات به معنی الاخص است و مقداری هم در علم النفس است.

سؤال: در بحث ضرورت ... ما می‌بینیم هر ردائلی که بحث شده ذیل ظلم جا می‌گیرد موردی هست که فعل را از آن جدا کند؟

جواب: بحث نشده است و الآن می‌بینید در آقایان که شدوژات در فتوا دارد می‌گویند تعدد زوجات ظلم است در دنیای امروز ظلم است این حرف درست است یا غلط است و یا بعضی آقایان دیگر می‌گویند ما نمی‌توانیم اصل حکم را بگوییم ظلم است چون خداوند حساب ظلم و عدل را کرده است ولی اطلاعاتش را می‌توان گفت حرمت ظلم مثل لاحرج و لاضرر است یک قاعده حاکمی است که اطلاعات را محدود می‌دهد این‌ها در کجا بحث شده است؟ بله باید ببینیم قاعده فقهیه چیست آیا در عرض بقیه است یا قاعده حاکمه است؟

سؤال: خود مفاهیم عدل و ظلم چیست؟ جای بحث دارد.

جواب: بله

سؤال: کسی می‌آید ظلمی در روابط اجتماعی شده است از اینجا به مباحث فلسفی و کلامی می‌کشاند و بعد به این می‌رسد که خدا ظلم کرده است و آسیب می‌زند و تأثیرات آن به عینه دیده می‌شود و درجایی که ظلم و قبح که در کلام بحث می‌شود ما نمی‌توانیم با ظلم و عدل در فقه نباید قاطعی شود.

جواب: شما بگویید آیا ظلم و عدل یک مفهوم عامی دارد که در هر دوها آمده است؟

سؤال: ...

جواب: دقایقی دارد که در اخلاق و مفسر به این شکل نیامده است به عنوان مبادی است ولی ناچار است که به آن پردازد و علم اصول علم دقیقی است و به همین دلیل برخی با آن مشکل دارند.